

سناریوهای آینده‌ی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری ایران

وجه الله قربانی زاده*، رسول معتضدیان**، داود حسین پور***، عباسعلی رهبر****

چکیده

مقدمه و هدف: منشأ مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی به دموکراسی در یونان باستان باز می‌گردد و در قرن‌های بعد در معرض تغییرات مداوم بوده است. پس از یک مرحله بی‌توجهی در نیمه نخست قرن بیستم، از دهه ۱۹۶۰، مشارکت عمومی به‌عنوان یک ابزار اساسی توسط دولت‌ها برای تقویت مشروعیت، اعتماد عمومی به دولت و بهبود شفافیت فرآیندهای تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گرفت و به شکلی ویژه در سال‌های اخیر با گسترش انقلابی فناوری اطلاعات و ارتباطات از اهمیت بالایی برخوردار شده است. در ایران نیز این موضوع به‌تازگی مورد توجه خط‌مشی‌گذاران قرار گرفته است. با این حال، در حال حاضر در ایران شهروندان کمتر در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی نقش ایفا می‌نمایند. به طوری که این کمبود به‌عنوان یک چالش و ضرورت تعامل سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی با شهروندان و جامعه مدنی به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح گردیده است و نیازمند پژوهش است. علی‌رغم بحث‌های دانشگاهی زیادی که در زمینه مشارکت عمومی وجود دارد، در مورد اینکه تا چه میزان امکان به‌کارگیری سازوکارهای مشارکت مستقیم در خط‌مشی‌گذاری در آینده ایران وجود دارد، پژوهشی انجام نشده است. از این‌رو، هدف این پژوهش بررسی سناریوهای آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر رویکرد، آینده‌پژوهانه است. آینده‌پژوهی دارای روش‌های چندگانه‌ای است، در این پژوهش از روش برنامه‌ریزی سناریو به‌عنوان روش اصلی استفاده شد. برای رسیدن به سناریوهای نهایی نقشه راه چهار مرحله‌ای تنظیم شد. مرحله اول از فرآیند این پژوهش به ادبیات اختصاص داشت. در مرحله دوم پژوهش پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری شناسایی شد. برای این منظور، ابتدا پیش‌ران‌های شناسایی شده در مرحله اول جهت تصحیح و تکمیل در اختیار خبرگان قرار گرفت و پس از مصاحبه با خبرگان پژوهش، از تکنیک تحلیل تم به منظور دسته‌بندی پیش‌ران‌های نهایی استفاده شد. در نهایت پس از شناسایی پیش‌ران‌های نهایی، ماتریس تأثیرات متقابل تشکیل شد و با رویکرد پل خبرگی تکمیل گردید. بر اساس رویکرد تحلیل اثرات متقابل، مهم‌ترین عدم قطعیت‌های مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی شدند. در مرحله سوم، بر اساس عدم قطعیت‌های شناسایی شده مرتبط با موضوع، پرسشنامه‌های عدم قطعیت طراحی شد. پرسشنامه‌های طراحی شده میان جامعه آماری توزیع گردید. نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های عدم قطعیت، ورودی لازم برای ساخت سناریوها را فراهم آورد. در مرحله نهایی پژوهش، پس از شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی، چارچوب سناریوها طراحی و به توصیف آن‌ها پرداخته شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد آینده‌ی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری از پیش معین نیست و متأثر از دو عدم قطعیت است؛ از یک سو نوع حکومت می‌تواند بر وضعیت مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری تأثیر بگذارد و از سوی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

* دانشیار، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: vghorbanizadeh@gmail.com

** دانشجوی دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*** دانشیار، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دیگر فرهنگ ملی در این عرصه به دلایل مختلف می‌تواند مشارکتی یا اقتدارطلبی باشد. بدین ترتیب وضعیت مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری متفاوت خواهد بود. در همین رابطه چهار سناریوی دموکراسی تفاهمی (از تقاطع فرهنگ مشارکتی و حکومت دموکراتیک)، دموکراسی اکثریتی (از تقاطع فرهنگ اقتدارطلبی و حکومت دموکراتیک)، اقتدارگرایی انتخاباتی (از تقاطع فرهنگ مشارکتی و حکومت اقتدارگرا) و سیستم بسته (از تقاطع فرهنگ اقتدارگرایی و حکومت اقتدارگرا) مورد بررسی قرار گرفت.

بحث و نتایج: از میان سناریوهای پژوهش، تنها در دو سناریوی دموکراسی تفاهمی و دموکراسی اکثریتی امکان مشارکت وجود دارد. با این حال، مشارکت قوی تنها در سناریوی دموکراسی تفاهمی می‌تواند تحقق یابد. دلیل آن نیز این است که هر چه در یک سیستم سیاسی رأی‌دهندگان در انتخابات نفوذ بالایی داشته باشند، نفوذ کمتری به وسیله مشارکت مستقیم می‌تواند اعطا شود و بالعکس. به گونه‌ای که در دموکراسی‌های اکثریتی مشارکت مستقیم چندان معنایی ندارد، چراکه رقابت‌های انتخاباتی را کم‌اهمیت می‌کند. بدین صورت که رأی‌دهندگان کانال‌های مشارکتی دیگری غیر از انتخابات برای نفوذ بر تصمیمات مجلس در اختیار دارند و در نتیجه ممکن است تمایل زیادی برای شرکت در انتخابات از خود نشان ندهند.

بر اساس نتایج پژوهش؛ پیشنهادها زیر برای ایران قابل ارائه است: (۱) پیش‌نیاز مشارکت، شهروندان آگاه و توانمند است و برای این منظور تقویت ابزارهای دموکراسی (رسانه‌های آزاد، احزاب قوی، جامعه مدنی قوی) بسیار با اهمیت است، چراکه مشارکت شهروندان حاصل دانش شخصی، اعتماد و تبلیغات است. از این رو، وجود احزاب و جامعه مدنی قوی و پاسخگو بسیار مهم است و در غیر این صورت به یکی از نقاط ضعف مشارکت مستقیم تبدیل می‌شود. (۲) بر اساس ساختار سیاسی و بافت فرهنگی از سازوکار مشارکتی خاصی استفاده شود. که در ایران به نظر می‌رسد دموکراسی اکثریتی با توجه به فرهنگ سیاسی جوابگوتر است و در دموکراسی‌های اکثریتی همچنان که بیان شد مشارکت مستقیم چندان معنادار نیست. (۳) با این حال، در سال‌های اخیر با توجه به رشد آگاهی‌های مردم و تکنولوژی و از طرف دیگر بی‌اعتمادی نسبت به سیاستمداران، منجر به این شده است که موضوع مشارکت مستقیم در خط‌مشی‌گذاری، در دموکراسی‌های اکثریتی نیز مطرح شود. چنانچه خواسته شود از این ابزارها استفاده شود، باید سازوکارهای مشارکت مستقیم (مانند فراندوم و ابتکارات) جزئی از قانون اساسی شود و شرایط استفاده از آن نیز تعیین شود. (۴) برای نهادینه شدن مشارکت مستقیم در ایران بهتر است با توجه به فرهنگ سیاسی، وسعت کشور و جدید بودن این موضوع، از سطح محلی شروع شود. همچنین در این زمینه گفتمان‌سازی صورت گیرد. (۵) در نهایت، فرهنگ سیاسی مشارکت مستقیم یک فرآیند یادگیری جمعی است که برای توسعه نیاز به زمان دارد و همچنین امکان‌هایی برای اصلاح خطاها.

کلیدواژه‌ها: خط‌مشی‌گذاری، مشارکت عمومی، برنامه‌ریزی سناریو، نیروهای پیش‌ران، تحلیل

اثرات متقابل، عدم قطعیت

۱. مقدمه

منشأ مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی به دموکراسی در یونان باستان بازمی‌گردد و در قرن‌های بعد در معرض تغییرات مداوم بوده است [۴۹]. پس از یک مرحله بی‌توجهی در نیمه نخست قرن بیستم [۴۸]، از دهه ۱۹۶۰، مشارکت عمومی یک ابزار اساسی توسط دولت‌ها برای تقویت مشروعیت، اعتماد عمومی به دولت و بهبود شفافیت فرآیندهای تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گرفت [۱۶]. از حدود دو دهه پیش، مشارکت عمومی وارد عصر جدیدی شده است. گسترش انقلابی فناوری اطلاعات و ارتباطات، راهی که افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها برای برقراری ارتباط و تعامل استفاده می‌کردند را تغییر داده است. در این زمینه، به‌ویژه توسعه رسانه‌های اجتماعی با تبدیل اینترنت از سیستم ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات ارتباطی منفعل و غیرفعال به یک بستر ارتباطی دو طرفه تعاملی، تأثیر بسزایی داشته است [۵۰].

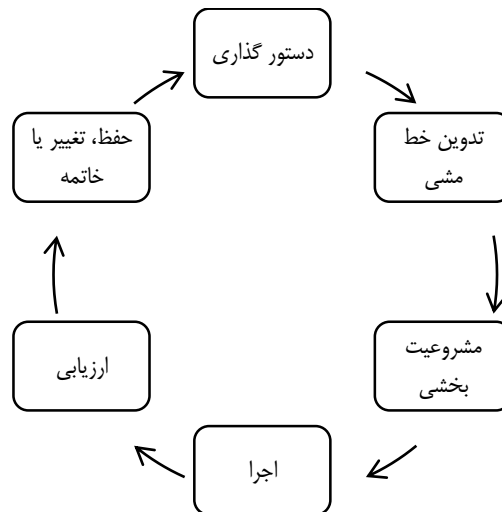
این امر به گونه‌ای است که امروزه در نتیجه‌ی عدم رضایت از سازوکارهای سنتی نمایندگی سیاسی از یک طرف و مسائل پیچیده، موضوعات چند وجهی و محیط‌های تکه‌تکه شده [۱۵] از طرف دیگر، در کنار ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، علاقه به مشارکت شهروندان افزایش یافته است. این موضوع به‌عنوان راهی برای عمیق‌تر کردن شیوه‌هایی که افراد عادی می‌توانند به‌طور مؤثر در خط‌مشی‌هایی که بر زندگی آن‌ها به‌طور مستقیم تأثیر می‌گذارد، مشارکت کنند. در بسیاری از سیستم‌های نمایندگی این اجماع وجود دارد که فراتر از فرصت‌های گه‌گاهی برای رأی‌دهی، باید به شهروندان اجازه داده شود - و در واقع تشویق شوند - تا در تصمیماتی که بر آن‌ها اثر می‌گذارد مشارکت کنند [۲۴].

در ایران نیز به‌تازگی موضوع مشارکت مستقیم مردم در خط‌مشی‌گذاری مطرح شده است. به گونه‌ای که اگر تعداد پانصد هزار نفر از واجدین شرایط شرکت در انتخابات مجلس مسئله‌ای را تقاضا کنند، در رابطه با آن قانون‌گذاری صورت می‌گیرد [۲۶]. با این حال، در حال حاضر در ایران شهروندان کمتر در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی نقش ایفا می‌نمایند. به‌طوری‌که این کمبود به‌عنوان یک چالش و ضرورت تعامل سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی با شهروندان و جامعه مدنی به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح گردیده است و نیازمند پژوهش است. علی‌رغم بحث‌های دانشگاهی زیادی که در این زمینه وجود دارد، در مورد اینکه تا چه میزان امکان به‌کارگیری سازوکارهای مشارکت مستقیم در خط‌مشی‌گذاری در آینده ایران وجود دارد؟ پژوهشی انجام نشده است. از این‌رو، هدف این پژوهش بررسی سناریوهای آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری است. در راستای نیل به هدف فوق، ساماندهی مقاله بدین صورت تنظیم شده است که در بخش نخست به بررسی ادبیات پژوهش تحت عنوان خط‌مشی‌گذاری عمومی، مشارکت عمومی، مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری و پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود. بخش دوم به روش‌شناسی پژوهش اختصاص می‌یابد. بخش سوم به تحلیل داده‌ها و یافته‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت بخش آخر نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خط‌مشی‌گذاری عمومی. به تدریج که بر وظایف دولت‌ها و حکومت‌ها افزوده شد و پیچیدگی‌های محیطی رو به فزونی گذاشت، اهمیت مقوله‌ی خط‌مشی‌گذاری بیش از پیش روشن گردید. به‌طوری‌که امروز بعد جدیدی در مدیریت و به‌ویژه مدیریت دولتی مطرح است که می‌توان آن را بعد خط‌مشی نام نهاد [۱۸]. خط‌مشی بیانگر مجموعه اقدام‌های به نسبت ثابت و هدفمندی است که توسط یک فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود [۲]. از این‌رو، خط‌مشی فرآیندی تلقی می‌شود که طی آن مسئله‌ای در عرصه عمومی شناسایی می‌شود، در یک نظام پویا مورد بررسی قرار می‌گیرد و راه‌حلی برای آن اتخاذ و اجرا می‌شود [۴۴].

خطامشی‌گذاری به صورت یک چرخه، فرآیندی را تشکیل می‌دهد که شامل چندین فعالیت و مرحله است. صاحب‌نظران مختلف بیان‌های متفاوتی از فرآیند خطامشی‌گذاری داشته‌اند که شالوده‌ی همه‌ی آن‌ها یکی است. کایرنی^۱ (۲۰۱۶) فرآیند خطامشی‌گذاری را توالی منطقی فعالیت‌هایی دانسته است که در طی آن خطامشی‌های عمومی ایجاد می‌شوند (شکل ۱).



شکل ۱. یک چرخه کلی خطامشی [۱۰]

صاحب‌نظران این مراحل را به‌طور کلی در سه مرحله تدوین (دستور گذاری، تدوین و مشروعیت بخشی)، اجرا و ارزیابی (که نتیجه آن حفظ، تغییر یا خاتمه خطامشی است) طبقه‌بندی می‌کنند [۳۱]. خطامشی را به گونه‌های مختلفی طبقه‌بندی کرده‌اند. در یکی از این طبقه‌بندی‌ها بر اساس قوای سه‌گانه است: الف) خطامشی‌های تقنینی که به‌وسیله قوه مقننه وضع می‌شود، ب) خطامشی‌های اجرایی که به‌وسیله قوه مجریه وضع می‌شود و ج) خطامشی‌های قضایی که به‌وسیله قوه قضاییه وضع می‌گردند [۱۰].

مشارکت عمومی. مشارکت عمومی تاریخچه‌ی طولانی دارد. بسیاری از محققان ادعا می‌کنند که منشأ مشارکت مردمی به آتن بازمی‌گردد. اگرچه اسناد ثبت شده تاریخی کمیاب است، با این حال، اولین سند ضبط شده از مشارکت مستقیم شهروندان، از دولت-شهرهای یونان به دست آمده است. پس از این دوران، مشارکت عمومی را می‌توان در ایالات متحده آمریکا پس از استقلال مشاهده کرد. هر چند در سطح فدرال مشارکت مستقیم وجود ندارد [۳۶]. مشارکت عمومی توزیع قدرتی است که سبب می‌شود امکان مشارکت شهروندان محروم از مزایای اقتصادی و سیاسی ممکن شود و از مزایای جامعه بهره‌مند شوند [۳].

از زمان ارائه اولین مدل مشارکت عمومی آرنستین^۲ (۱۹۶۹) تحت عنوان «نردبان مشارکت» مدل‌های مختلفی را پژوهشگران این حوزه ارائه داده‌اند که روابط بین شهروندان و مقامات رسمی دولتی را ترسیم می‌کند. همه این مدل‌ها به مردم کمک می‌کنند تا فرآیند مشارکت عمومی و چگونگی تعامل بین مردم و مقامات را

^۱ Cairney

^۲ Arnstein

بهبتر بشناسند [۳۰]. مدل‌های مشارکت عمومی آرنستین (۱۹۶۹)، سازمان همکاری توسعه اقتصادی^۱ (۲۰۰۱) و انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی^۲ (۲۰۰۷)، در جدول ۱ با توجه به مقایسه بین سطوح مشارکت آمده است.

جدول ۱. مقایسه مدل‌های مختلف مشارکت عمومی بر اساس سطوح [۳/، ۳۹/، ۲۵/]

آرنستین	سازمان همکاری توسعه اقتصادی	انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی
درجه‌ی قدرت شهروندان	مشارکت فعال	توانمندسازی همکاری دخالت
درجه نمادگرایی	مشاوره اطلاعات	مشاوره اطلاعات
عدم مشارکت	-	-

مشارکت مستقیم تکنیک‌هایی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: رفراندوم، ابتکارات، فراخوان، جلسات عمومی، طرفداری و گروه‌های ذی‌نفع قوی، نظرسنجی‌ها و گروه‌های کانونی، کارگاه‌ها، کنفرانس‌ها، کمیته‌ی مشورتی شهروندان، تسهیل‌گری گروهی [۹].

مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری. امروزه دولت‌ها به‌طور پیوسته با مسائل سخت و پیچیده مواجه‌اند. محققان برای این مسائل، ویژگی‌هایی را شناسایی نموده‌اند که می‌توان به این موارد اشاره نمود: کنشگران متعدد، دیدگاه‌های متعدد، علایق متضاد، متغیرهای مهم و غیرملموس و عدم اطمینان‌های زیاد [۴۳]؛ بنابراین، هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند که همه‌ی ابزارها یا قدرت لازم برای تأثیر بر دستاوردهای پیچیده‌ی خط‌مشی را دارا است؛ هرچند بازیگر مهمی در این زمینه قلمداد می‌شود [۷]. از این رو می‌توان گفت که با پراکندگی قدرت مواجهیم و فناوری اطلاعات فرآیند خط‌مشی عمومی را در دسترس مردم قرار داده است [۵۰].

پراکندگی قدرت همراه با ظرفیت فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات ریشه‌ی ظهور شبکه‌های خط‌مشی به‌عنوان زمینه‌ای جدید برای مباحثات خط‌مشی شده است. بدین ترتیب صحبت از حکمرانی بیش‌ازپیش مطرح می‌شود [۷]. تحت مفهوم حکمرانی، حکومت که به‌طور سنتی مهم‌ترین نقش در حکمرانی، خط‌مشی و فرآیند تصمیم‌گیری داشت، صرفاً یکی از بازیگران چندگانه به شمار می‌رود. بورگن^۳ (۲۰۰۷) این موارد را به صورت زیر دسته‌بندی کرده است (جدول ۲).

جدول ۲. به‌سوی نظریه جدید مدیریت دولتی: خط‌مشی عمومی [۷]

عوامل	از	به سمت
حداقل سیاست / اداره	جدایی	تعامل
خط‌مشی	نتیجه فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی	نتیجه تعاملات تنگاتنگ
نقش شهروندان	انطباق	درگیر شدن (مشارکت)
نقش حکومت	قانون‌گذاری	مشورت

همچنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، امروزه خط‌مشی‌ها نتیجه‌ی تعاملات تنگاتنگ هستند و شهروندان نیز باید مشارکت فعالی داشته باشند.

^۱ Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

^۲ International Association for Public Participation (IAP2)

^۳ Bourgon

بر اساس مراحل فرآیند خطامشی‌گذاری (شکل ۱)، مشارکت‌کنندگان می‌توانند در تدوین، اجرا یا ارزیابی خط-مشی، مشارکت کنند. به تبع آن، ماهیت همکاری مشارکت‌کنندگان می‌تواند متفاوت باشد. بسیاری از محققان استدلال می‌کنند که مشارکت‌کنندگان باید از آغاز فرآیند خطامشی‌گذاری (مرحله تدوین) در نظر گرفته شوند تا مشارکت معناداری اتفاق بیفتد [۳۸]. سازمان‌دهی فرآیندهای مشارکتی در مراحل بعدی فرآیند خطامشی‌گذاری (مراحل اجرا و ارزیابی) می‌تواند همچنان مفید بوده، اما می‌تواند پوششی برای تصمیم‌گیرندگان عمومی باشد که امید دارند خروجی‌های تعیین شده را مشروع سازند [۱۷]، [۳۴]. محققان استدلال می‌کنند که مشارکت در مراحل بعدی فرآیند خطامشی‌گذاری از نفوذ کمتری برخوردار است، زیرا تصمیمات حیاتی اتخاذ شده‌اند و در رویه‌های دولتی قرار گرفته‌اند [۲۳]، [۶]. مشارکت در مراحل بعدی فرآیند خطامشی‌گذاری محدود به ارائه‌ی اطلاعات و مشاوره (جدول ۱) خواهد شد. با این حال، در مرحله‌ی اجرا، مشارکت‌کنندگان همچنان امکاناتی برای سازمان‌دهی مخالفت دارند و می‌توانند تصمیمات را بلوکه کنند. این امکانات می‌تواند به‌عنوان استدلالی برای مشارکت متمرکز در مرحله اجرا در نظر گرفته شود [۳۸].

در این پژوهش مشارکت عمومی در مرحله تدوین خطامشی‌های تقنینی مدنظر قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در زمینه مشارکت مستقیم مردم در خطامشی‌گذاری به مرتبط‌ترین آن‌ها با هدف استخراج پیشران‌ها پرداخته می‌شود.

هی و ما^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود بیان کرده‌اند که شهروندانی که معتقدند نظراتشان توسط دولت در نظر گرفته می‌شود، رضایت بیشتری دارند که به نوبه خود منجر به اعتماد بیشتر به دولت می‌شود [۲۲]. نرنجو-زولوتو و همکاران^۲ (۲۰۱۹) به نقش کاربرپسند بودن ابزارهای آنلاین و نوع دوستی (به‌عنوان یک انگیزه فردی) بر مشارکت عمومی آنلاین در هنگ‌کنگ پرداخته‌اند. آن‌ها همچنین نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند تأثیر کمی در این فرآیند داشته باشد [۳۷].

پورعزت و همکاران^۳ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی آینده‌ی حکمرانی در ایران پرداخته‌اند. نویسندگان از آینده‌پژوهی بر اساس کشف کلیدی‌ترین نیروهای پیشران - که مهم‌ترین عدم قطعیت‌ها نیز هستند - استفاده کرده‌اند. نیروهای کلیدی در این پژوهش عبارتند از: استبداد، ساختار اقتصادی مبتنی بر تاراج، احساس عمومی بیگانگی در برابر دولت، عدم تطبیق جنبه‌های مختلف فناوری با فوریت‌های زمانه و نادیده گرفتن روند تغییرات ملی و بین‌المللی [۴۲]. درنسیپلیت و ملکی^۴ (۲۰۱۸) در «درک الگوهای دموکراسی: بازنگری تقسیمات اجتماعی و بازگرداندن فرهنگ اجتماعی»، عامل فرهنگ را بسیار تأثیرگذار می‌دانند [۱۴].

واگنر و همکاران (۲۰۱۶) به شرایط مطلوب آینده مشارکت عمومی در خطامشی‌های عمومی از دیدگاه خط-مشی‌گذاران آلمانی پرداخته‌اند. متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: فرصت‌های چندگانه برای مشارکت، نقطه تماس مرکزی، درجه‌ی بالای شفافیت، درگیری عموم با تصمیمات سیاسی، مشارکت مدنی اولیه، مشارکت عمومی به‌عنوان مشروع سازی، رسانه‌های اجتماعی برای بالا بردن کیفیت تصمیمات، مشارکت الکترونیک، حفظ صلاحیت تصمیم‌گیری، برنامه‌های کاربردی موبایل [۴۸]. پاپا^۵ (۲۰۱۶)

^۱ He & Ma

^۲ Naranjo-Zolotov et al

^۳ Pourezzat et al

^۴ Doorenspleet and Maleki

^۵ Papa

متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است [۴۰]. سیالا^۱ (۲۰۱۵) عوامل ساختاری، اقتصادی-اجتماعی و رفتاری را در نظر گرفته است [۴۵].

ملکی و بوتس^۲ (۲۰۱۳) از بین عوامل مختلف مؤثر بر مشارکت عمومی بر عوامل فرهنگی تمرکز کرده‌اند زیرا به‌زعم آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به صورت ورودی، فرآیند و خروجی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. نکته‌ی مهم در پژوهش آن‌ها این است که مشارکت عمومی باید به یک خواست عمومی تبدیل شود چراکه بدون تقاضای عمومی «تالار مشارکت» خالی خواهد ماند حتی زمانی که دروازه‌های آن بسیار باز باشد [۳۲].

لیفارت^۳ (۲۰۱۲) الگوهای دموکراسی (دموکراسی اکثریتی و تفاهمی) را مورد بررسی قرار داده است [۲۷]. چانگ (۲۰۱۱) به اراده سیاستمداران برای مشارکت دادن عامه اشاره می‌کند [۱۱]. یانگ و پندی^۴ (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان «کالبد شکافی بیشتر مشارکت عمومی» به عوامل مختلفی پرداخته‌اند که از جمله‌ی آن‌ها نظام سیاسی-اداری پذیرای مشارکت و انعطاف‌پذیر در برابر تغییر است [۵۱].

جدول ۳. پیشران‌های استخراج شده از پیشینه پژوهش (محققان)

ردیف	پژوهشگر	سال	پیشران‌های استخراج شده
۱	هی و ما	۲۰۲۰	اراده برای مشارکت، خواست عمومی برای مشارکت، اعتماد عمومی
۲	مرنچو-مولتو و همکاران	۲۰۱۹	کاربرپسند بودن ابزارهای آنلاین، انگیزه‌های فردی، سرمایه اجتماعی
۳	پورعزت و همکاران	۲۰۱۸	استبداد، ساختار اقتصادی مبتنی بر تراج، احساس عمومی بیگانگی در برابر دولت، عدم تطبیق جنبه‌های مختلف فناوری با فوریت‌های زمانه و نادیده گرفتن روند تغییرات ملی و بین‌المللی
۴	درنسپلیت و ملکی	۲۰۱۸	فرهنگی ملی
۵	واگنر و همکاران	۲۰۱۶	فناوری اطلاعات و ارتباطات، سطح مشارکت
۶	پاپا	۲۰۱۶	متغیرهای اقتصادی و اجتماعی
۷	سیالا	۲۰۱۵	عوامل ساختاری، اقتصادی-اجتماعی و رفتاری
۸	ملکی و بوتس	۲۰۱۳	عوامل فرهنگی و خواست عمومی برای مشارکت
۹	لیفارت	۲۰۱۲	الگوهای دموکراسی
۱۰	چانگ	۲۰۱۱	اراده سیاستمداران برای مشارکت دادن
۱۱	یانگ و پندی	۲۰۱۱	نظام سیاسی-اداری پذیرای مشارکت و انعطاف‌پذیر در برابر تغییر
۱۲	لیندر	۲۰۱۰	آموزش، درآمد، وابستگی حزبی، اعتماد عمومی، منافع سیاسی ساختار سیاسی، بافت فرهنگی، سازوکارهای مشارکت
۱۳	وتر	۲۰۰۹	تعداد احزاب پارلمان
۱۴	کوپر	۲۰۰۶	شایستگی، کارایی و اعتماد به دولت، مهارت‌های فنی و اجتماعی مناسب و اعتمادبه‌نفس برای مشارکت

لیندر^۵ (۲۰۱۰) در کتاب دموکراسی سوئیس: راه‌حل‌های ممکن برای حل تعارضات چند فرهنگی، بیان می‌کند، افراد آموزش دیده که درآمد بالایی دارند احتمال بیشتری دارد که نسبت به طبقه کارگر و افراد کمتر آموزش دیده مشارکت کنند. در کنار آموزش و درآمد، سایر ویژگی‌های اجتماعی-جمعیت‌شناختی وجود دارد که بر

^۱ Siala

^۲ Maleki & Bots

^۳ Lijphart

^۴ Yang & Pandey

^۵ Linder

مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد. شهروندان جوان، زنان و افراد مجرد یا جدا شده کمتر از دیگران مشارکت می‌کنند. به علاوه، برخی ویژگی‌های سیاسی تفاوت ایجاد می‌کند: افراد بدون وابستگی حزبی، بدون اعتماد به مقامات کمتر مشارکت می‌کنند و تنها عامل بسیار مهم تعیین کننده مشارکت، منافع سیاسی است. همچنین، لیندر (۲۰۱۰) بیان می‌کند کشورهای دیگر که خواهان استفاده از سازوکارهای مشارکت مستقیم هستند، باید متناسب با ساختار سیاسی و بافت فرهنگی خود عمل کنند [۲۹].

وتر^۱ (۲۰۰۹) در «توسعه مدل لیفارت: ابعاد سه‌گانه دموکراسی در کشورهای پیشرفته OECD»، عامل کلیدی را تعداد احزاب پارلمان می‌داند [۴۶].

کوپر و همکاران^۲ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند شهروندان نیاز به یک سطح معینی از شایستگی، کارایی و اعتماد به دولت دارند؛ آن‌ها همچنین نیاز است که مهارت‌های فنی و اجتماعی مناسب و اعتماد به نفس برای استفاده از چنین مهارت‌هایی داشته باشند [۱۳].

بر اساس پیشینه پژوهش، هی و ما (۲۰۲۰) به نوعی به نقش عوامل سیاسی (اراده برای مشارکت از جانب مردم و سیاستمداران) پرداخته‌اند [۲۲]. پژوهش نرنجو-زولوتو و هکاران (۲۰۱۹) به عوامل تکنولوژیکی و اجتماعی-فرهنگی معطوف است [۳۷]. پورعزت و همکاران (۲۰۱۸) به عوامل چندگانه مؤثر بر حکمرانی در ایران (سیاسی، اقتصادی و فناوری) پرداخته‌اند [۴۲]. پژوهش‌های درنسیلیت و ملکی (۲۰۱۸) و ملکی و بوتس (۲۰۱۳) بر عوامل فرهنگی تمرکز کرده‌اند [۱۴]، [۳۲]. واگنر و همکاران در پژوهش خود تنها به نیروهای فناورانه شکل دهنده به مشارکت عمومی پرداخته‌اند [۴۸]. پاپا (۲۰۱۶) و سیالا (۲۰۱۵) بر عوامل اقتصادی پرداخته‌اند، با این حال عوامل اجتماعی را نیز با اهمیت می‌دانند [۴۰]، [۴۵]. آنچه در پژوهش‌های لیفارت (۲۰۱۲)، چانگ (۲۰۱۱)، یانگ و پندی (۲۰۱۱) و وتر (۲۰۰۹) به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی مورد بررسی قرار گرفته است را می‌توان در زمره عوامل سیاسی دسته‌بندی کرد [۲۷]، [۱۱]، [۵۱]، [۴۶]. لیندر (۲۰۱۰) بر اساس تجربه کشور سوئیس عوامل بسیار مهمی را مطرح می‌کند و این عوامل را می‌توان به اجتماعی-فرهنگی (آموزش و بافت فرهنگی)، اقتصادی (درآمد)، سیاسی (اعتماد عمومی، منافع سیاسی، وابستگی حزبی) و حقوقی (سازوکار مشارکت) تقسیم کرد [۲۹]. کوپر (۲۰۰۶) شایستگی‌های لازم برای مشارکت عمومی را مورد بررسی قرار داده است [۱۳].

این پژوهش‌ها یک یا تعداد محدودی عامل مؤثر بر مشارکت عمومی را مورد بررسی قرار داده‌اند. از این رو اهم نوآوری در پژوهش پیش رو، تحلیلی جامع (در نظر گرفتن عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، تکنولوژیکی، زیست‌محیطی، حقوقی^۳) از پیش‌ران‌های مؤثر بر مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری است. به گونه‌ای که با در نظر گرفتن تمامی پیش‌ران‌ها، سناریوهای نهایی تدوین شوند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، آینده‌پژوهانه است. هدف آینده‌پژوهی، محتمل ساختن آینده‌های مرجح (مطلوب) است. بدین منظور از آنچه که می‌خواهد در آینده ایجاد شود باید تصویری روشن و شفاف در ذهن بر مبنای ارزش‌هایی به وجود آید که می‌خواهد بر جوامع آینده حاکم باشد [۲۱]. آینده‌پژوهی دارای روش‌های چندگانه‌ای است، به گونه‌ای که محققان مختلف آن را به صورت‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند. برای مثال پوپر^۴ (۲۰۰۸) الماس آینده‌نگری [۴۱] و مایلز و همکاران^۱ (۲۰۱۶) ستاره آینده‌نگری [۳۵] را ارائه داده‌اند.

^۱ Vatter

^۲ Cooper et al

^۳ Political, Economic, Social, Technological, Environmental, Law

^۴ Popper

در این پژوهش از میان روش‌های آینده‌پژوهی، از روش برنامه‌ریزی سناریو به‌عنوان روش اصلی استفاده می‌شود. سناریوها توصیفی از یک موقعیت در آینده و رویدادهایی هستند که امکان پیشروی از یک موقعیت واقعی به سمت آینده را فراهم می‌کنند [۱۹]. مفهوم سناریو نخست در فرانسه به‌وسیله فیلسوف و آینده‌پژوه فرانسوی گاستون بروگر^۲ در ۱۹۶۴ تحت عنوان آینده‌نگری معرفی شد؛ اما به وسیله هرمان کان^۳ به شهرت رسید. نخستین استفاده در حوزه استراتژیک و نظامی پس از جنگ جهانی دوم بود، زمانی که نیروی هوایی آمریکا و شرکت هواپیمایی داگلاس، شرکت رند را به عنوان یک پروژه مشترک تأسیس کردند [۳۳]. پس از آن روش سناریو در دهه ۱۹۶۰ به طور گسترده برای پیش‌بینی اجتماعی، تحلیل سیاست دولتی و تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گرفت. در طول دهه اخیر نیز استفاده از طراحی سناریو به طور قابل توجهی افزایش یافته است. دلیل آن نیز رابطه‌ای است که میان استفاده از تکنیک‌های طراحی سناریو و عدم قطعیت، غیرقابل پیش‌بینی بودن و ناپایداری محیط کسب‌وکار وجود دارد [۱]. رویکرد واحدی نسبت به طراحی سناریو وجود ندارد و مرور مطالب موجود نشان می‌دهد که چندین روش برای ایجاد سناریوهای با ویژگی‌های مشترک بسیار وجود دارند [۸]، [۱۱].

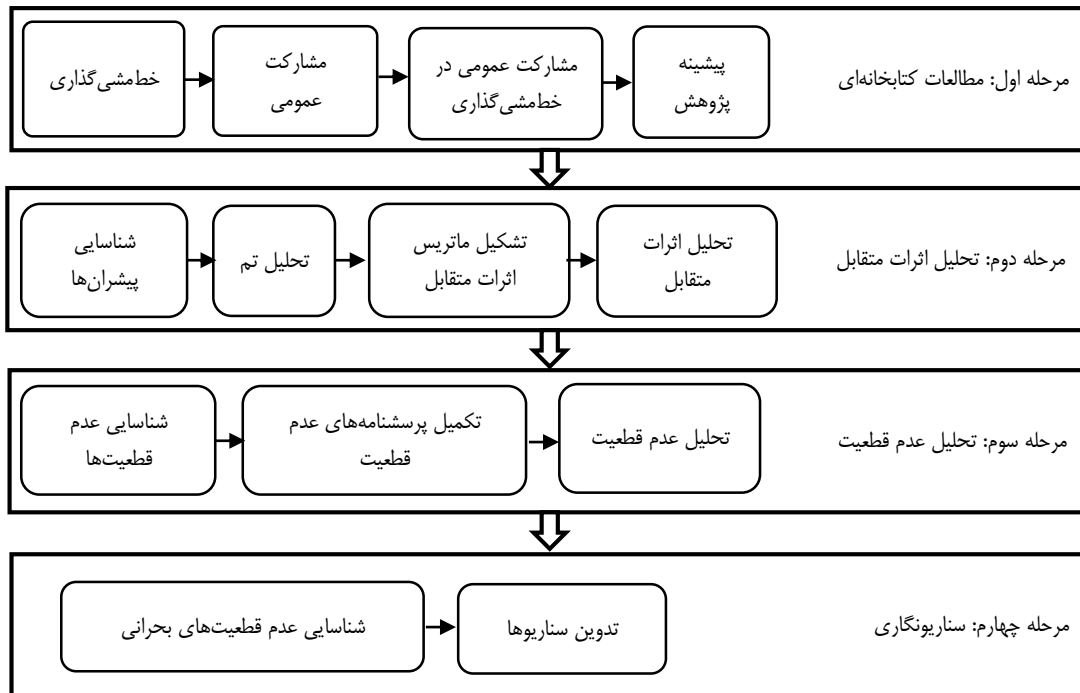
سه گروه یا رویکردهای اصلی برای ساخت سناریو وجود دارند که دارای چند تکنیک فرعی نیز هستند. دو مورد از این سه رویکرد اصلی برای ساخت سناریو از کشورهای انگلیسی زبان آمریکا و انگلستان و یکی از فرانسه نشأت گرفته‌اند. این رویکردها عبارت‌اند از: (۱) منطق ادراکی، (۲) روندهای احتمالاتی اصلاح شده و (۳) رویکرد فرانسوی نسبت به آینده [۸]. پژوهش حاضر از نظر روش سناریونویسی، منطق ادراکی را بکار می‌گیرد، از نظر تعداد سناریوها، روش شوارتز که زیر مجموعه منطق ادراکی است را بکار می‌گیرد که ۴ سناریو ارائه می‌شود. رویکرد شوارتز یا رویکرد GBN^۴ که کمتر با عنوان «رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی» شناخته می‌شود، رایج‌ترین و کاربردی‌ترین روش ساخت سناریوها به شمار می‌رود [۵]. در این روش با تعیین دو عدم قطعیت اصلی، فضای سناریوها در قالب ماتریسی متشکل از دو محور اصلی از دو سر عدم قطعیت‌های یاد شده تشکیل و فضای چهارگانه‌ای در قالب یک ماتریس ۲ در ۲ برای ترسیم امکان‌های آینده ترسیم می‌شود. در راستای رسیدن به سناریوهای نهایی، نقشه راه پژوهش در شکل ۲ ارائه شده است.

^۱ Miles et al

^۲ Gaston Berger

^۳ Herman Kahn

^۴ Global Business Network



شکل ۲. نقشه راه پژوهش

در ادامه به مراحل اصلی پژوهش، به صورت مجزا در قالب تحلیل داده‌ها و یافته‌ها پرداخته می‌شود.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

مرحله اول: مطالعات کتابخانه‌ای

بر اساس نقشه راه پژوهش، گام اول از فرایند به مطالعه ادبیات موضوع اختصاص یافته بود و از آنجایی که در قسمت مبانی نظری و پیشینه پژوهش به صورت کامل تشریح شده است، در این مرحله از بازنویسی مجدد آن اجتناب می‌شود. لازم به بیان است که هدف نهایی این مرحله، استخراج پیشران‌های مؤثر بر مشارکت عمومی در خطامشی گذاری بر اساس پیشینه پژوهش است که در جدول ۳ به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد.

مرحله دوم: تحلیل اثرات متقابل

در این مرحله بر اساس بررسی‌های کتابخانه‌ای و استخراج پیشران‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای (مرحله اول)، با ۱۵ نفر خبره در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، تکنولوژی، زیست‌محیطی و حقوقی، مصاحبه صورت گرفت. بیان این نکته لازم است که مبنای انتخاب خبرگان پژوهش، شناخته شده بودن در حوزه علمی خود و یا داشتن حداقل ۵ سال سابقه اجرایی در آن حوزه و همچنین آشنایی با مفاهیم آینده-پژوهی بوده است. مشخصات این مرحله از پژوهش در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول ۴. مشخصات خبرگان این مرحله از پژوهش

شغل	تحصیلات	تعداد	حوزه
دانشگاهی	دکتری	۳	حوزه سیاسی
دانشگاهی	دکتری	۳	حوزه اقتصادی
دانشگاهی	دکتری و دانشجوی دکتری	۳	حوزه اجتماعی-فرهنگی

حوزه تکنولوژیکی	۲	دکتری و دانشجوی دکتری	اجرایی
حوزه زیست‌محیطی	۱	فوق لیسانس	اجرایی
حوزه حقوقی-قانونی	۳	دکتری	دانشگاهی

پس از انتخاب خبرگان، در مرحله مصاحبه ابتدا موضوع پژوهش معرفی و سپس این سؤال مطرح می‌شد که از نظر آن‌ها پیشران‌ها در حوزه مشارکت عامه در خط‌مشی‌گذاری عمومی کدامند؟ همچنین به منظور جهت دادن به مصاحبه از نیروهای کلیدی استخراج شده از ادبیات پژوهش نیز استفاده می‌شد، بدین صورت که این نیروهای کلیدی در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شد و این سؤال مطرح می‌شد که آیا عوامل دیگری می‌توانند به‌عنوان پیشران در این حوزه نقش بازی کنند؟ مصاحبه با خبرگان تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت.

سپس، مصاحبه‌ها به دقت بررسی شدند و ۱۹۰ کد اولیه (حاصل ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان) استخراج شد و برای تقلیل آن‌ها از روش تحلیل تم استفاده شد؛ که به ۹۳ مضمون پایه، ۲۴ مضمون سازمان دهنده و ۶ مضمون فراگیر تقلیل یافتند. در نهایت، ۲۴ مضمون سازمان دهنده به‌عنوان پیشران‌های نهایی در نظر گرفته شدند.

پس از شناسایی پیشران‌ها، برای ورود آن‌ها به نرم‌افزار میک مک^۱، برای هر یک از پیشران‌ها یک اختصار تعریف شد که در جدول شماره ۵ مشخص شده است.

جدول ۵. پیشران‌های نهایی

ردیف	پیشران	اختصار	ردیف	پیشران	اختصار
۱	روابط منطقه‌ای و بین‌المللی کشور	روابط	۱۳	مختصات جمعیتی	جمعیت
۲	میزان باز بودن فضای سیاسی	فضای سیاسی	۱۴	سطح فناوری	فناوری
۳	بهره‌وری نظام اداری	بهره‌وری	۱۵	عدالت در توزیع امکان‌های فناورانه	عدالت فناورانه
۴	اراده برای مشارکت	اراده	۱۶	امنیت اطلاعاتی	امنیت
۵	ثبات سیاسی	ثبات	۱۷	پایداری زیست‌محیطی	پایداری
۶	ساختار اقتصادی کلان کشور	اقتصاد	۱۸	بحران‌های طبیعی	بحران
۷	وضعیت معیشتی	معیشت	۱۹	ذخایر طبیعی	ذخایر
۸	رونق کسب‌وکار	کسب‌وکار	۲۰	جغرافیای طبیعی	جغرافیا
۹	تحریم‌ها	تحریم	۲۱	نوع حکومت	حکومت
۱۰	سرمایه اجتماعی	سرمایه	۲۲	کیفیت مجلس شورای اسلامی	مجلس
۱۱	فرهنگ ملی	فرهنگ	۲۳	سازوکارهای مشارکت	سازوکار
۱۲	دانش و آگاهی مردم	دانش	۲۴	حق قانونی مشارکت	حق مشارکت

با توجه به پیشران‌های نهایی، ماتریسی ۲۴×۲۴ از عوامل تشکیل شد. در این ماتریس، پیشران‌های موجود را در سطرها و ستون‌ها جای می‌دهند؛ بدین ترتیب پیشران‌های سطرها تأثیرگذار و پیشران‌های ستون‌ها تأثیرپذیرند [۲۰]. برای تشخیص تأثیرات و میزان ارتباط میان متغیرها از پنل خبرگی استفاده می‌شود که در این پژوهش از یک پنل خبرگی متشکل از ۵ نفر از صاحب‌نظر آشنا به موضوع استفاده شده است (جدول ۶).

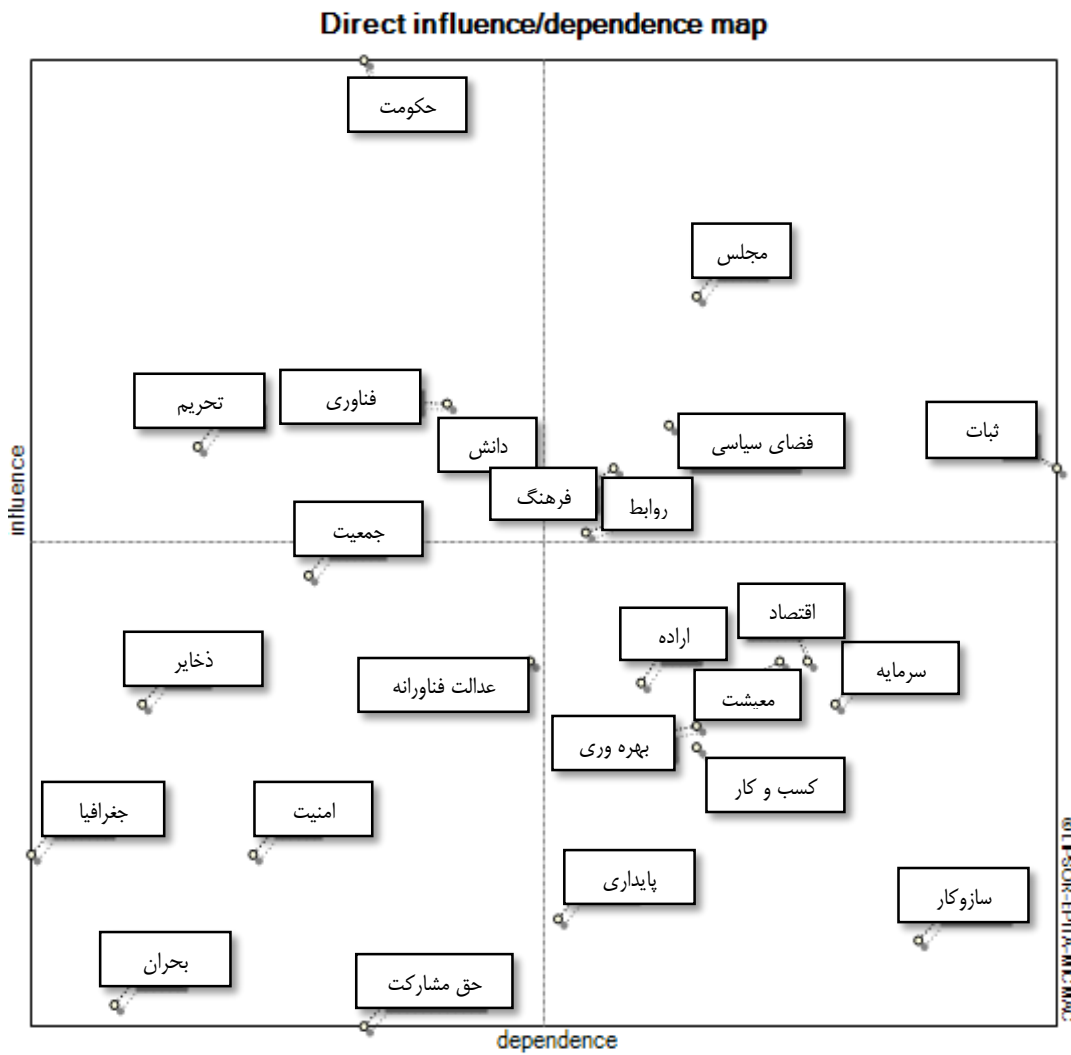
جدول ۶. مشخصات اعضای پنل

ردیف	تحصیلات	جنسیت	سن

^۱ Mic Mac

۴۰	مرد	دکتری علوم سیاسی	۱
۳۲	زن	دانشجوی دکتری مدیریت دولتی	۲
۳۰	زن	دانشجوی دکتری اقتصاد	۳
۳۵	مرد	دکتری علوم ارتباطات	۴
۴۲	مرد	دکتری حقوق	۵

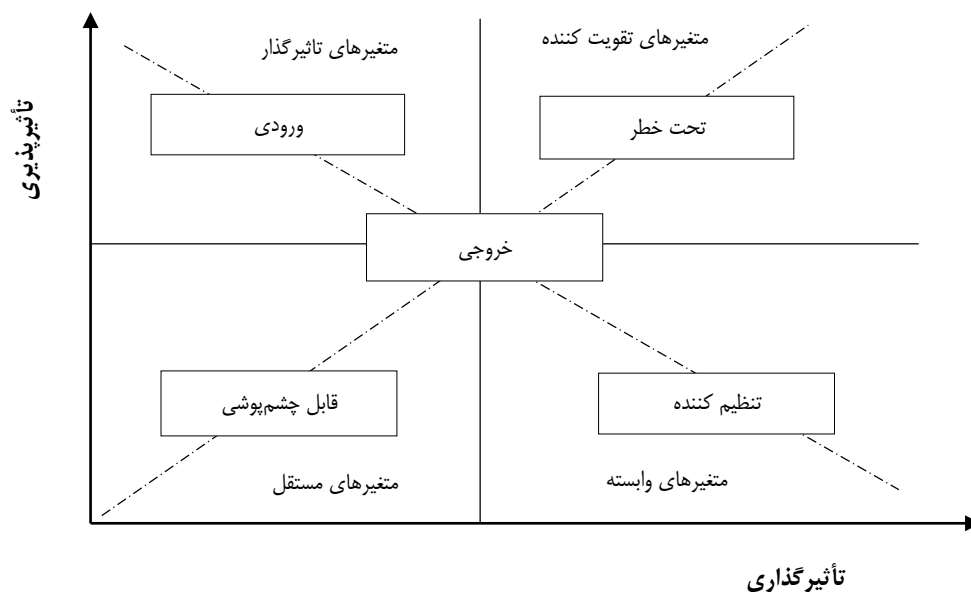
بیان این نکته لازم است که در تحلیل تأثیرات متقابل، میزان تأثیرات با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود [۴]، بدین صورت که: عدد «صفر» به معنای «بدون تأثیر»؛ عدد «یک» به معنای «تأثیر ضعیف»؛ عدد «دو» به معنای «تأثیر متوسط»؛ و در نهایت عدد «سه» به معنای «تأثیر زیاد» هستند. خروجی نرم‌افزار میک مک در قالب پراکنندگی پیشران‌های تأثیرگذار بر مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳. پراکنندگی پیشران‌ها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

متغیرهای نمودار تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را می‌توان به گروه‌هایی تقسیم نمود که پنج دسته متغیر مطرح می‌شوند [۴]:

- متغیرهای تأثیرگذار^۱ دارای نفوذ زیاد اما ارزش کم وابستگی هستند. آن‌ها می‌توانند به‌عنوان متغیرهای تعیین‌کننده^۲ بیان شوند.
- متغیرهای وابسته^۳ وابستگی بالا اما ارزش کم نفوذ دارند. آن‌ها می‌توانند به‌عنوان متغیرهای نتیجه^۴ مورد بررسی قرار گیرند.
- متغیرهای تقویت‌کننده^۵ ارزش وابستگی و نفوذ بالایی دارند. آن‌ها می‌توانند به‌عنوان متغیرهای بحرانی (تحت خطر^۶) بیان شوند.
- متغیرهای مستثنا^۷ هم مقادیر کم و هم وابستگی کم دارند. آن‌ها نسبتاً بی‌ارتباط با سیستم هستند و بنابراین مستقل^۸ هستند.
- متغیرهای خنثی^۹ متغیرهای نسبتاً تأثیرگذار و / یا وابسته هستند. دشوار است که چیزی را از قبل درباره تکامل آن‌ها بیان کرد.



شکل ۴. جایگاه متغیرها و عوامل در نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری [۴۷]

^۱ Influential

^۲ Determinant

^۳ Dependent

^۴ Result

^۵ Relay

^۶ Stake

^۷ Excluded

^۸ Independent

^۹ Regulator

بر اساس شکل ۴، جایگاه هر یک از پیشران‌ها در نقشه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (شکل ۳) در جدول ۶ ارائه شده است:

جدول ۷. جایگاه هر یک از پیشران‌ها در نقشه تأثیرگذاری-تأثیرپذیری

ردیف	طبقه‌بندی	عوامل کلیدی
۱	عوامل تأثیرگذار	نوع حکومت، سطح فناوری، تحریم‌ها، دانش و آگاهی مردم
۲	عوامل تقویت کننده	میزان باز بودن فضای سیاسی، ثبات سیاسی، فرهنگ ملی، کیفیت مجلس شورای اسلامی
۳	عوامل وابسته	بهره‌وری نظام اداری، اراده سیاستمداران برای مشارکت، ساختار اقتصادی کلان کشور، وضعیت معیشتی، رونق کسب‌وکار، سرمایه اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی، سازوکارهای مشارکت
۴	عوامل مستقل	مختصات جمعیتی، عدالت در توزیع امکانات‌های فناورانه، امنیت اطلاعاتی، بحران‌های طبیعی، ذخایر طبیعی، جغرافیای طبیعی، حق قانونی مشارکت
۵	عوامل تنظیمی	روابط منطقه‌ای و بین‌المللی کشور

مرحله سوم: تحلیل عدم قطعیت

در این مرحله عوامل تأثیرگذار و عوامل تقویت کننده به‌عنوان عدم قطعیت در نظر گرفته می‌شوند. از این رو همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، عوامل «نوع حکومت»، «تحریم‌ها»، «سطح فناوری» و «دانش و آگاهی مردم» به‌عنوان پیشران‌های تأثیرگذار بر مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری شناسایی شده‌اند. این دسته از عوامل توان تأثیرگذاری بالایی بر کل سیستم دارند. عوامل «باز بودن فضای سیاسی»، «ثبات سیاسی»، «فرهنگ ملی»، «کیفیت مجلس شورای اسلامی» متغیرهای تقویت کننده هستند که در قسمت شمال غربی نمودار قرار می‌گیرند. ویژگی اصلی این متغیرها تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیاد است.

جدول ۸. عدم قطعیت‌های شناسایی شده بر حسب تحلیل تأثیرات متقابل

حالت ۲	حالت ۱	عامل کلیدی تأثیرگذار
حکومت اقتدارگرا	حکومت دموکراتیک	نوع حکومت
سطح فناوری ضعیف	سطح فناوری قوی	سطح فناوری
تداوم تحریم‌ها	رفع تحریم‌ها	تحریم‌ها
سطح دانش و آگاهی پایین	سطح دانش و آگاهی بالا	دانش و آگاهی مردم
فضای سیاسی بسته	فضای سیاسی باز	میزان باز بودن فضای سیاسی
ثبات سیاسی پایین	ثبات سیاسی بالا	ثبات سیاسی
فرهنگ اقتدارطلب	فرهنگ مشارکتی	فرهنگ ملی
مجلس ضعیف	مجلس قوی	کیفیت مجلس شورای اسلامی

همچنان که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، هر عدم قطعیت از دو حالت بدیل تشکیل شده است و در همه موارد یک حالت بینابینی نیز در نظر گرفته شد. حالت بینابینی به وضعیتی اشاره دارد که هیچ یک از حالت‌های دوگانه شناسایی شده به صورت کامل وضعیت آینده را تعیین نکرده و شکل نداده است. بر این اساس، پاسخ دهنده با انتخاب حالت بینابینی مشخص می‌کند که در آینده هیچ یک از دو حالت کل وضعیت آینده را شکل نخواهد داد و هر یک از دو وضعیت به موازات همدیگر و به صورت هم‌زمان رشد یا کاهش خواهند یافت. نمونه‌ای از پرسشنامه عدم قطعیت در شکل ۵ نشان داده شده است:

عدم قطعیت ۷: فرهنگ ملی اقتدارطلب یا مشارکتی

<input type="checkbox"/> اهمیت بسیار کم <input type="checkbox"/> اهمیت کم <input type="checkbox"/> اهمیت متوسط <input type="checkbox"/> اهمیت زیاد <input type="checkbox"/> اهمیت خیلی زیاد	
حالت اول، فرهنگ ملی در سال‌های آینده هر چه مشارکتی‌تر خواهد شد	حالت بینابینی: مطلقاً غیرقابل‌پیش‌بینی است
حالت دوم، فرهنگ ملی در سال‌های آینده به سمت اقتدارطلبی گرایش می‌یابد	
درباره این عامل تخصص کافی برای اظهار نظر ندارم <input type="checkbox"/>	

شکل ۵. نمونه پرسشنامه عدم قطعیت‌ها

پس از تشکیل پرسشنامه‌های عدم قطعیت‌های شناسایی شده، پرسشنامه‌ها در اختیار ۳۵ نفر خبره قرار گرفت. ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان در جدول زیر ارائه شده است:

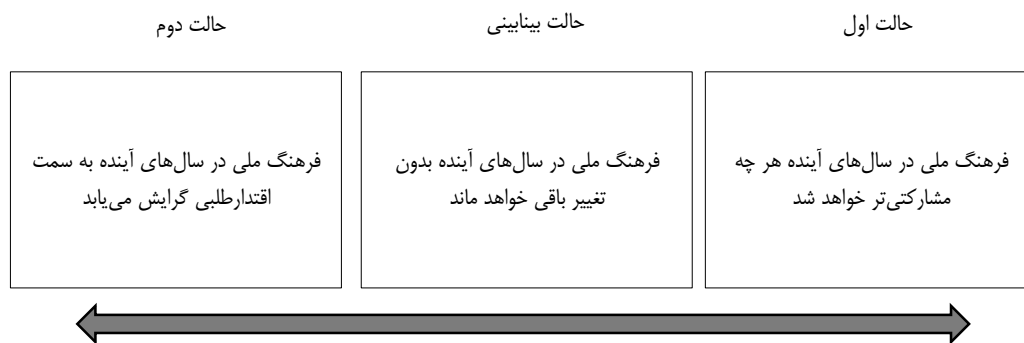
جدول ۹. ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان

پرسش	جنسیت		سن			تحصیلات			شغل		
	مرد	زن	۲۰-۳۰	۳۰-۴۰	۴۰-۵۰	دانشجوی	کارشناسی ارشد	کارشناسی	دانشگاهی	فرآوانی	دانشگاهی و ایرانی
فرآوانی پاسخ‌ها	۱۴	۲۱	۸	۲۱	۶	۱۴	۱۷	۴	۲۱	۹	۵
درصد پاسخ‌ها	۴۰	۶۰	۲۳	۶۰	۱۷	۴۰	۴۹	۱۱	۶۰	۲۶	۱۴

نمونه‌ای از پاسخ‌های داده شده به شرح زیر است:

عدم قطعیت ۷: فرهنگ ملی

فرهنگ ملی یکی از متغیرهای تعیین کننده در سیستم بود. بحث مورد پرسش در این بخش این بود که آیا فرهنگ ملی در افق زمانی پژوهش مشارکتی‌تر می‌شود یا به سمت اقتدارطلبی گرایش می‌یابد.



در جدول شماره ۱۰ فرآوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به هر گزینه بیان شده است:

جدول ۱۰. فرآوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به پرسش‌های عدم قطعیت ۷

پرسش	میزان خبرگی	موافقت با حالت‌های عدم قطعیت	میزان اهمیت
------	-------------	------------------------------	-------------

گزینه	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	زیاد	خیلی زیاد	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار کم	زیاد	خیلی زیاد	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار کم	
فراوانی پاسخها	۱۶	۱۷	۲	۰	۷	۹	۴	۱۰	۴	۴	۱	۱۷	۱۴	۴	۰	۰	۰	۰	۰
درصد پاسخها	۰/۴۶	۰/۴۹	۰/۵۰	۰	۰/۲۰	۰/۲۶	۰/۱۲	۰/۳۹	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۴۹	۰/۱۱	۰	۰	۰	۰	۰

همان طور که جدول شماره ۱۰ مشاهده می شود، ۴۶ درصد خبرگان معتقدند که فرهنگ ملی مشارکتی تر می شود و ۴۱ درصد از خبرگان معتقدند که فرهنگ ملی به سمت اقتدارطلبی گرایش می یابد. پس از جمع آوری پرسشنامه های توزیع شده در میان ۳۵ نفر خبره، پرسشنامه ها بر اساس میزان اهمیت و شدت عدم قطعیت مورد تحلیل قرار گرفت که در ادامه به آن ها پرداخته می شود:

شدت عدم قطعیت

$$\begin{aligned} & \text{تعداد پاسخها به گزینه الف} \times ۲ + \text{تعداد پاسخها به گزینه ب} \times ۱ + \text{تعداد پاسخها به گزینه پ} \times \\ & (-۲) + \text{تعداد پاسخها به گزینه ت} \times (-۱) + \text{تعداد پاسخها به گزینه ث} \times ۰ \end{aligned}$$

= شاخص اجماع

تعداد کل پاسخها به گزینه های الف، ب، پ، ت، ث

بر این اساس، هر چه مقدار شاخص اجماع به صفر نزدیک تر باشد، نشان دهنده این است که در آن موضوع تا چه اندازه تشکیک وجود دارد و دو حالت مطرح در پرسش، طرفداران یکسانی دارد و اجماعی در مورد یکی از آن دو حالت وجود ندارد. همچنین هر چه مقدار شاخص اجماع از صفر دورتر باشد، نشان می دهد که یکی از آن دو حالت اجماع بیشتری دیده می شود. به این ترتیب دوری و نزدیکی شاخص اجماع به عدد صفر به ترتیب بیانگر اجماع و عدم اجماع صاحب نظران و متخصصان در مورد پرسش های مطرح شده است. مقدار این شاخص برای همه پرسش های عدم قطعیت بر روی یک گستره از ۲+ تا ۲- در جدول ۱۱ مشخص شده است.

جدول ۱۱. خلاصه نتایج براساس اجماع

شاخص اجماع (صدم)	عدم قطعیت
۰/۰۵	عدم قطعیت ۱: نوع حکومت
۱/۵۷	عدم قطعیت ۲: سطح فناوری
-۰/۵۱	عدم قطعیت ۳: تحریمها
۰/۶۲	عدم قطعیت ۴: دانش و آگاهی مردم
۰/۱۷	عدم قطعیت ۵: میزان باز بودن فضای سیاسی
۰/۳۷	عدم قطعیت ۶: ثبات سیاسی
۰/۱۴	عدم قطعیت ۷: فرهنگ ملی
۰/۱۴	عدم قطعیت ۸: کیفیت مجلس شورای اسلامی

از آنجا که تکیه صرف بر شاخص اجماع نمی‌تواند به‌تنهایی کارآمد باشد، چراکه تنوع میان پاسخ‌ها را مدنظر قرار نمی‌دهد. بدین منظور از شاخص ضریب واریانس استفاده می‌شود که از تقسیم انحراف معیار به میانگین به دست می‌آید. هر چه عدد ضریب واریانس کوچک‌تر باشد، نشان دهنده این است که پاسخ‌ها به این پرسش از پراکندگی کمتری برخوردارند و بالعکس. این شاخص در واقع منعکس‌کننده میزان عدم قطعیت در خصوص هر پرسش است. در جدول ۱۲ هر یک از عدم قطعیت‌ها بر اساس شاخص ضریب واریانس آورده شده است.

جدول ۱۲. مقایسه عدم قطعیت‌ها بر اساس ضریب واریانس

عدم قطعیت	شاخص اجماع	واریانس	ضریب واریانس
عدم قطعیت ۱: نوع حکومت	۰/۰۵	۶/۵۳	۱۲/۶۷
عدم قطعیت ۲: سطح فناوری	۱/۵۷	۳/۲۷	۸/۹۴
عدم قطعیت ۳: تحریم‌ها	-۰/۵۱	۴/۳۶	۱۰/۰۵
عدم قطعیت ۴: دانش و آگاهی مردم	۰/۶۲	۴/۸۳	۱۰/۳۲
عدم قطعیت ۵: میزان باز بودن فضای سیاسی	۰/۱۷	۶/۲۴	۱۲/۰۵
عدم قطعیت ۶: ثبات سیاسی	۰/۳۷	۵/۶۹	۱۱/۹۳
عدم قطعیت ۷: فرهنگ ملی	۰/۱۴	۶/۲۱	۱۲/۳۵
عدم قطعیت ۸: کیفیت مجلس شورای اسلامی	۰/۱۴	۶/۳۲	۱۲/۵۷

با اضافه کردن ضریب واریانس، مشخص می‌شود که تفاوت‌های میان دو عدم قطعیت ۱ و ۲ بیشتر می‌شود و عدم قطعیت ۱ از اجماع کمتری برخوردار است و به‌این ترتیب دارای عدم قطعیت شدیدتری است.

میزان اهمیت

تعداد پاسخ‌ها به گزینه خیلی زیاد $\times 100$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه زیاد $\times 75$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه متوسط $\times 50$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه کم $\times 25$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه خیلی کم $\times 0$

شاخص اهمیت =

تعداد کل پاسخ‌ها

به‌این ترتیب هر چه میزان شاخص اهمیت به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد، بیانگر آن است که میزان اهمیت عدم قطعیت مربوطه از نظر خبرگان بیشتر است و هر چه میزان شاخص اهمیت به صفر نزدیک باشد، نشان‌دهنده این است که میزان اهمیت گزینه مربوطه از نظر خبرگان کمتر است. در جدول ۱۳ میزان اهمیت هر یک از عدم قطعیت‌ها بیان شده است.

جدول ۱۳. میزان اهمیت عدم قطعیت‌ها

شاخص اهمیت	عدم قطعیت
۸۷/۱۴	عدم قطعیت ۱: نوع حکومت
۸۲/۸۵	عدم قطعیت ۲: سطح فناوری
۷۴/۲۸	عدم قطعیت ۳: تحریم‌ها
۸۳/۵۷	عدم قطعیت ۴: دانش و آگاهی مردم
۸۲/۸۵	عدم قطعیت ۵: میزان باز بودن فضای سیاسی
۴۲/۸۱	عدم قطعیت ۶: ثبات سیاسی
۸۴/۲۸	عدم قطعیت ۷: فرهنگ ملی
۸۰/۷۱	عدم قطعیت ۸: کیفیت مجلس شورای اسلامی

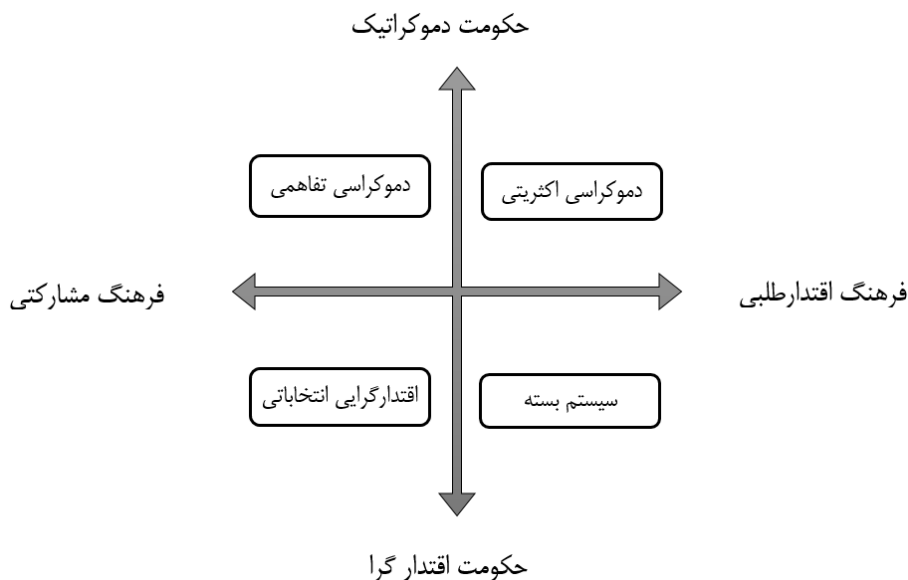
مرحله چهارم: سناریونگاری

سناریوها در رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی بر اساس تقاطع دو محور عدم قطعیتی ساخته می‌شوند که دارای بیشترین عدم قطعیت و اهمیت هستند. بدین ترتیب ترکیب دو شاخص اهمیت و عدم قطعیت می‌تواند محورهای سناریو را تعیین کند. بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های عدم قطعیت در جدول ۱۴ خلاصه شده است. در این جدول ضریب دو شاخص عدم قطعیت و اهمیت نیز در ستون مستقلی بیان شده است.

جدول ۱۴. ترکیب اهمیت و عدم قطعیت

عدم قطعیت	اهمیت	شدت عدم قطعیت	ترکیب اهمیت و شدت
عدم قطعیت ۱: نوع حکومت	۸۷/۱۴	۱۲/۶۷	۱۱۰۴/۰۶
عدم قطعیت ۲: سطح فناوری	۸۲/۸۵	۸/۹۴	۷۴۰/۶۷۹
عدم قطعیت ۳: تحریم‌ها	۷۴/۲۸	۱۰/۰۵	۷۴۶/۵۱۴
عدم قطعیت ۴: دانش و آگاهی مردم	۸۳/۵۷	۱۰/۳۲	۸۶۲/۴۴
عدم قطعیت ۵: میزان باز بودن فضای سیاسی	۸۲/۸۵	۱۲/۰۵	۹۹۸/۳۴
عدم قطعیت ۶: ثبات سیاسی	۴۲/۸۱	۱۱/۹۳	۹۷۱/۳۴
عدم قطعیت ۷: فرهنگ ملی	۸۴/۲۸	۱۲/۳۵	۱۰۴۰/۸۵۸
عدم قطعیت ۸: کیفیت مجلس شورای اسلامی	۸۰/۷۱	۱۲/۵۷	۱۰۱۴/۵۲

بر اساس نتایج جدول شماره ۱۴ مشخص می‌شود که دو عدم قطعیتی که محورهای سناریوها را شکل خواهند داد عبارت‌اند از: عدم قطعیت ۱ (نوع حکومت) و عدم قطعیت ۷ (فرهنگ ملی). در شکل زیر محورهای سناریو بر اساس دو عدم قطعیت نوع حکومت و فرهنگ ملی به تصویر کشیده شده است.



شکل ۶. چارچوب سناریوهای مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری

بر اساس چارچوب سناریوهای تعیین شده، مشخص می‌شود که آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری از پیش معین نیست و به‌شدت متأثر از دو عدم قطعیت جدی است. از یک سو نوع حکومت می‌تواند بر وضعیت

مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری تأثیر بگذارد و از سوی دیگر فرهنگ ملی در این عرصه به دلایل مختلف می‌تواند مشارکتی یا اقتدارطلبی باشد و به این ترتیب وضعیت مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری متفاوت خواهد بود. در ادامه هر یک از چهار سناریوی منتج از محورهای به دست آمده به صورت خلاصه تشریح می‌شود.

سناریو ۱: دموکراسی اکثریتی

این سناریو از تقاطع فرهنگ اقتدارطلبی و نوع حکومت دموکراتیک به وجود می‌آید، با برچسب دموکراسی اکثریتی نام‌گذاری شده است. از آنجا که در این پژوهش مشارکت عمومی در مرحله تدوین خط‌مشی‌های عمومی سطح مجلس مدنظر است، در این سناریو از سازوکارهای مشارکتی ضعیف (به‌طور مثال، پنل شهروندی) و در مرحله دستور گذاری استفاده می‌شود، دلیل آن نیز این است که استفاده از سازوکارهای مشارکتی قوی، رقابت‌های انتخاباتی را ضعیف می‌کند. نمونه بارز این سناریو، کشور انگلستان است.

سناریو ۲: دموکراسی تفاهمی

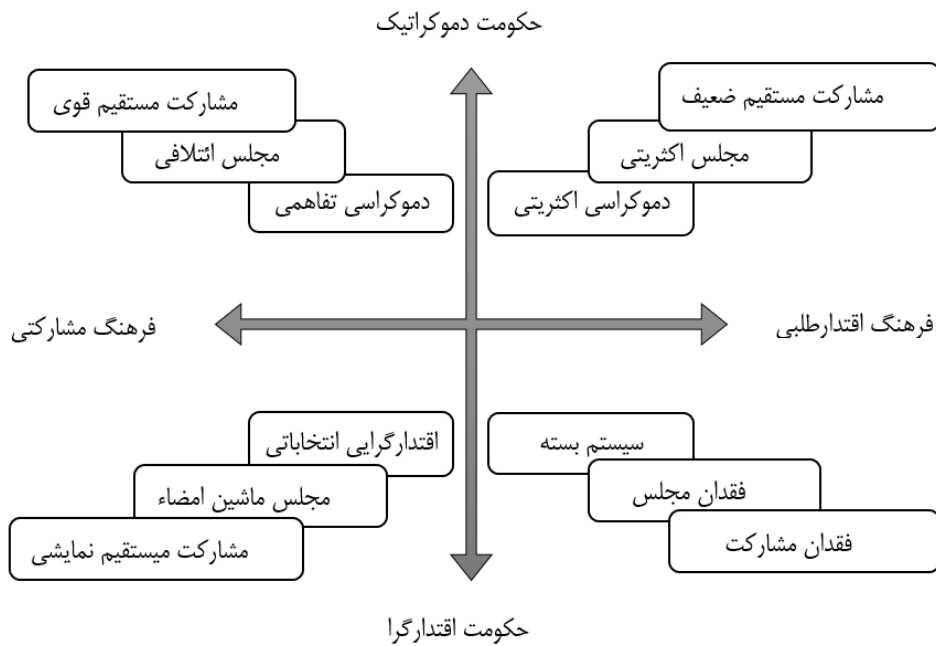
این سناریو از تقاطع فرهنگ مشارکتی و نوع حکومت دموکراتیک به وجود می‌آید، با برچسب دموکراسی تفاهمی نام‌گذاری شده است. از آنجا که در این پژوهش مشارکت عمومی در مرحله تدوین خط‌مشی‌های عمومی سطح مجلس مدنظر است، در این سناریو از سازوکارهای مشارکتی قوی (ابتکارات مردمی، رفراندوم) و در مرحله دستور گذاری و مشروعیت بخشی استفاده می‌شود. نمونه بارز این سناریو، کشور سوئیس است.

سناریو ۳: اقتدارگرایی انتخاباتی

این سناریو از تقاطع فرهنگ مشارکتی و نوع حکومت اقتدارگرا به وجود می‌آید، با برچسب اقتدارگرایی انتخاباتی نام‌گذاری شده است. از آنجا که در این پژوهش مشارکت عمومی در مرحله تدوین خط‌مشی‌های عمومی سطح مجلس مدنظر است، در این سناریو از تمامی سازوکارهای مشارکتی می‌توان استفاده کرد، اما از آنجا که نوع حکومت به سمت اقتدارگرایی تمایل دارد، مشارکت معنادار نخواهد بود و حکومت از این مشارکت در جهت مشروعیت بخشیدن به خودش استفاده می‌کند. نمونه بارز این سناریو کشور روسیه است.

سناریو ۴: سیستم بسته

این سناریو که از تقاطع فرهنگ اقتدارطلبی و نوع حکومت اقتدارگرا به وجود می‌آید، با برچسب سیستم بسته نام‌گذاری شده است. از آنجا که در این پژوهش مشارکت عمومی در مرحله تدوین خط‌مشی‌های عمومی سطح مجلس مدنظر است، در این سناریو از سازوکارهای مشارکتی خاصی استفاده نمی‌شود و دلیل آن نیز این است که نه مردم تمایل به مشارکت دارند و نه حکومت تمایل به مشارکت دهی. نمونه بارز این سناریو، کشور عربستان است. توضیحات ارائه شده برای سناریوها را می‌توان به صورت زیر مدل‌سازی کرد (شکل ۷).



شکل ۷. چارچوب نهایی سناریوهای مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش پرداختن به این سؤال بود که آینده مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری در ایران چگونه است؟ تا چه اندازه ای امکان به‌کارگیری سازوکارهای مشارکت مستقیم وجود دارد؟ برای این منظور، در مرحله اول ادبیات موضوع مورد بررسی قرار گرفت. خروجی نهایی این مرحله، شناسایی پیشران‌های مؤثر بر مشارکت عمومی در خطمشی‌گذاری بود. این مرحله از پژوهش ورودی‌های لازم برای مراحل بعدی پژوهش را در اختیار پژوهشگران قرار داد.

در مرحله دوم ابتدا با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، تکنولوژیکی، زیست‌محیطی، حقوقی مصاحبه صورت گرفت. سپس، مصاحبه‌ها به دقت بررسی شدند و ۱۹۰ کد اولیه (حاصل ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان) استخراج شد و با رویکرد تحلیل تم، به ۹۳ مضمون پایه، ۲۴ مضمون سازمان دهنده و ۶ مضمون فراگیر تقلیل یافتند. در نهایت، ۲۴ مضمون سازمان دهنده به‌عنوان پیش‌رسان‌های نهایی در نظر گرفته شدند. با توجه به پیش‌رسان‌های نهایی، ماتریسی ۲۴×۲۴ از عوامل تشکیل شد. برای تکمیل ماتریس از یک پنل خبرگی متشکل از ۵ نفر صاحب‌نظر آشنا به موضوع استفاده شد.

خروجی این مرحله تعیین جایگاه هر یک از پیش‌رسان‌ها در نقشه تاثیرگذاری- تاثیرپذیری بود که نهایتاً ۸ پیش‌رسان «نوع حکومت»، «تحریم‌ها»، «سطح فناوری»، «دانش و آگاهی مردم»، «باز بودن فضای سیاسی»، «ثبات سیاسی»، «فرهنگ ملی» و «کیفیت مجلس شورای اسلامی» به‌عنوان عدم قطعیت شناسایی و وارد مرحله بعد شدند. در مرحله سوم پژوهش، برای عدم قطعیت‌های شناسایی شده، پرسشنامه‌های عدم قطعیت طراحی شد. پرسشنامه‌های عدم قطعیت میان ۳۵ نفر خبره توزیع شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های توزیع شده، پرسشنامه‌ها بر اساس میزان اهمیت و شدت عدم قطعیت مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج به دست آمده از این مرحله؛ ورودی لازم برای مرحله چهارم پژوهش (سناریو نگاری) را فراهم کرد. سناریوها در رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی بر اساس تقاطع دو محور عدم قطعیتی ساخته می‌شوند که دارای بیشترین عدم قطعیت و اهمیت هستند. ۲ عدم قطعیتی که محورهای سناریوها را شکل دادند عبارت بودند از: نوع حکومت (ترکیب اهمیت و شدت عدم قطعیت برابر ۱۱۰۴/۰۶) و فرهنگ ملی (ترکیب اهمیت و شدت عدم قطعیت برابر ۱۰۴۰/۸۵۸).

از این رو، آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری از پیش معین نیست و به‌شدت متأثر از دو عدم قطعیت است. از یک سو نوع حکومت می‌تواند بر وضعیت مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری تأثیر بگذارد و از سوی دیگر فرهنگ ملی در این عرصه به دلایل مختلف می‌تواند مشارکتی یا اقتدارطلبی باشد و به‌این ترتیب وضعیت مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری متفاوت خواهد بود. در همین رابطه چهار سناریو دموکراسی تفاهمی، دموکراسی اکثریتی، اقتدارگرایی انتخاباتی و سیستم بسته مورد بررسی قرار گرفت و تنها در دو سناریوی دموکراسی تفاهمی و اکثریتی امکان مشارکت وجود دارد، باین‌حال مشارکت قوی تنها در سناریوی دموکراسی تفاهمی می‌تواند تحقق یابد. لیندر (۲۰۱۰) این مورد را به‌صورت زیر نظریه‌پردازی کرده است: هر چه در یک سیستم سیاسی رأی‌دهندگان در انتخابات نفوذ بالایی داشته باشند، نفوذ کمتری به‌وسیله مشارکت مستقیم می‌تواند اعطا شود و بالعکس [۲۹].

آنچه که لیفارت (۲۰۱۲) آن را دموکراسی‌های تفاهمی و اکثریتی می‌نامد [۲۷]. به‌گونه‌ای که در دموکراسی-های اکثریتی مشارکت مستقیم چندان معنایی ندارد، چراکه رقابت‌های انتخاباتی را کم‌اهمیت می‌کند [۲۸]. بدین صورت که رأی‌دهندگان کانال‌های مشارکتی دیگری غیر از انتخابات برای نفوذ بر تصمیمات مجلس در اختیار دارند و در نتیجه ممکن است تمایل زیادی برای شرکت در انتخابات از خود نشان ندهند. به‌طورکلی، بر اساس نتایج پژوهش؛ پیشنهادها زیر برای ایران قابل ارائه است:

۱. پیش‌نیاز مشارکت، شهروندان آگاه و توانمند است و برای این منظور تقویت ابزارهای دموکراسی (رسانه-های آزاد، احزاب قوی، جامعه مدنی قوی) بسیار بااهمیت است، چراکه مشارکت شهروندان حاصل دانش شخصی، اعتماد و تبلیغات است. بدین معنا که در مورد موضوعاتی که شهروندان دانش و تجربه دست اولی دارند به دانش شخصی خود اعتماد می‌کنند و در موضوعات پیچیده به احزاب و نخبگان سیاسی اعتماد می‌کنند و درعین‌حال تبلیغات نیز به ذهن آن‌ها شکل می‌دهد. از این رو، وجود احزاب و جامعه

مدنی قوی و پاسخگو بسیار مهم است و در غیر این صورت به یکی از نقاط ضعف مشارکت مستقیم تبدیل می‌شود [۲۸].

۲. بر اساس ساختار سیاسی و بافت فرهنگی از سازوکار مشارکتی خاصی استفاده شود. در همین رابطه در نسل‌پل‌یت و ملکی (۲۰۱۸) و ملکی و بوتس (۲۰۱۳) عامل فرهنگ را مؤثرتر از سایر عوامل می‌دانند [۱۴]، [۳۲]؛ که در ایران به نظر می‌رسد دموکراسی اکثریتی با توجه به فرهنگ سیاسی جوابگوتر است و در دموکراسی‌های اکثریتی همچنان که بیان شد مشارکت مستقیم چندان معنادار نیست. در این زمینه، کشور انگلستان از پنل شهروندی به‌عنوان سازوکار مشارکت مستقیم برای به دست آوردن دیدگاه شهروندان در مورد مشکلات عمومی؛ استفاده می‌کند، می‌تواند مثال خوبی برای الگوبرداری باشد.

۳. با این حال، در سال‌های اخیر با توجه به رشد آگاهی‌های مردم و تکنولوژی و از طرف دیگر بی‌اعتمادی نسبت به سیاستمداران، منجر به این شده است که موضوع مشارکت مستقیم در خط‌مشی‌گذاری، در دموکراسی‌های اکثریتی نیز مطرح شود [۵۰]. چنانچه خواسته شود از این ابزارها استفاده شود، باید سازوکارهای مشارکت مستقیم (مانند رفراندوم و ابتکارات) جزئی از قانون اساسی شود و شرایط استفاده از آن نیز تعیین شود.

۴. برای نهادینه شدن مشارکت مستقیم در ایران بهتر است با توجه به فرهنگ سیاسی، وسعت کشور و جدید بودن این موضوع، از سطح محلی شروع شود. همچنین در این زمینه گفتمان‌سازی صورت گیرد. در پایان لازم به بیان است، همچنان که لیندر (۲۰۱۰) بیان می‌کند، فرهنگ سیاسی مشارکت مستقیم یک فرآیند یادگیری جمعی است که برای توسعه نیاز به زمان دارد و همچنین امکان‌هایی برای اصلاح خطاها. به‌هرحال، این ممکن است اشتباه باشد که مشارکت بیشتر را به‌عنوان تنها راه بهبود دموکراسی در نظر بگیریم، با این امید که دموکراسی مستقیم جواب همه مسائل حکمرانی را تأمین خواهد کرد [۲۹]. سایر ویژگی‌های یک خط‌مشی خوب، به‌خصوص مبنای علمی، در دنیای پیچیده امروز بسیار مهم است و موضوع مشارکت مستقیم مردم شاید مبنایی برای در نظر گرفتن احساسات مردم باشد.

این پژوهش در حین اجرا با محدودیت‌هایی مواجه بوده است از جمله: اگرچه محققان تمام تلاش خود را برای ارائه سناریوهای آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری ایران انجام داده‌اند، با این حال ممکن است سناریوهای نهایی متفاوت‌تر از آن چیزی باشند که در این مقاله ارائه شده‌اند، که این خود می‌تواند متأثر از روش پژوهش و پیش‌فرض‌های ذهنی موجود باشد. از این رو، به محققان آینده توصیه می‌شود وضعیت کشور در حال حاضر از حیث مشارکت عمومی را تبیین کنند و سپس نسبت به تحلیل شرایط و گزینش سناریوهای مقتضی وارد تحلیل شوند. همچنین، از سایر روش‌های پژوهش با هدف ارائه یک الگوی تحویلی استفاده کنند.

منابع

1. Amer, M., Daim, T. U., & Jetter, A. (2013). A review of scenario planning. *Futures*, 46, 23-40.
2. Anderson, J. E. (2014). *Public policymaking*. Cengage Learning.
3. Arnstein, S.R. (1969). A ladder of citizen participation, *Journal of the American Planning Association*, 35(4), 216-224.
4. Asan, S. S., & Asan, U. (2007). Qualitative cross-impact analysis with time consideration. *Technological forecasting and social change*, 74(5), 627-644.
5. Bishop P., Hines A., & Collins T. (2007). The current state of scenario development: An overview of techniques, *Foresight*, 9(1), 5-25.
6. Boonstra, B., & Boelens, L. (2011). Self-organization in urban development: towards a new perspective on spatial planning. *Urban Research & Practice*, 4(2), 99-122.
7. Bourgon, J. (2007). Responsive, responsible and respected government: towards a New Public Administration theory, *International Review of Administrative Sciences*, 73(1), 7-26.
8. Bradfield, R., Wright, G., Burt, G., Cairns, G., & Van Der Heijden, K. (2005). The origins and evolution of scenario techniques in long range business planning, *Futures*, 37, 795-812.
9. Buss, T., Redburn, F., Stevens, F., & Guo, K. (2014). *Modernizing Democracy: Innovations in Citizen Participation (Transformational Trends in Governance & Democracy)*, 1st Edition, Routledge.
10. Cairney, P. (2016). *The politics of evidence based policy making*, London: Palgrave Springer.
11. Chermack, T. J., Lynham, S.A., & Ruona W.E.A. (2001). A review of scenario planning literature, *Futures Research Quarterly*, 17, 7-3.
12. Chung, S. Y. (2011). *Fostering Citizen Participation Through Innovative Mechanisms In Governance, Policy, And Decision Making: Comparing Washington, DC And Seoul* (Doctoral dissertation, Arizona State University).
13. Cooper, T. L., Bryer, T. A., & Meek, J. W. (2006). Citizen-centered collaborative public management. *Public administration review*, 66, 76-88.
14. Doorenspleet, R., & Maleki, A. (2018). Understanding patterns of democracy: Reconsidering societal divisions and bringing societal culture back in. In *Consociationalism and Power-Sharing in Europe* (pp. 11-34). Palgrave Macmillan, Cham.
15. Fazi, E., & Smith, J. (2006). Civil dialogue: making it work better. *Brussels: Civil Society Contact Group*.
16. Fedotova, O., Teixeira, L., & Alvelos, H. (2015). Citizens' engagement using communication technologies. In *Encyclopedia of Information Science and Technology, Third Edition* (pp. 2709-2718). IGI Global.
17. Few, R., Brown, K., & Tompkins, E. L. (2007). Public participation and climate change adaptation: avoiding the illusion of inclusion. *Climate policy*, 7(1), 46-59.
18. Ghorbanizadeh, V., Sharifzadeh, F., & Motazedian, R. (2015). Analysis the issues of administrative policy implementation, *Strategic Management Studies*, 19, 67-95.
19. Godet, M. (2000). The art of scenarios and strategic planning: tools and pitfalls. *Technological forecasting and social change*, 65(1), 3-22.
20. Godet, M. (2006). *Creating futures: scenario planning as a strategic management tool*, France: *Economica*.
21. Hamidizadeh, M. R. (2011). Theories of time and foresighting based on theory of perception and understand, *Strategic Management Studies*, 19, 67-95.
22. He, A. J., & Ma, L. (2020). Citizen participation, perceived public service performance, and trust in government: evidence from health policy reforms in Hong Kong. *Public Performance & Management Review*, 1-23.

23. Howlett, M. (2009). Governance modes, policy regimes and operational plans: A multi-level nested model of policy instrument choice and policy design. *Policy Sciences*, 42(1), 73-89.
24. Ianniello, M., Iacuzzi, S., Fedele, P., & Brusati, L. (2019). Obstacles and solutions on the ladder of citizen participation: A systematic review. *Public Management Review*, 21(1), 21-46.
25. International Association for Public Participation. (2007). IAP2 spectrum of public participation.
26. Islamic Consultative Assembly News Agency, 2016.
27. Lijphart, A. (2012). *Patterns of democracy: Government forms and performance in thirty-six countries*. Yale University Press.
28. Linder, W. (2007). Strengths and weaknesses of direct democracy-The case of Switzerland, and beyond, *Vortrag, gehalten in Bukarest*.
29. Linder, W. (2010). *Swiss democracy: Possible solutions to conflict in multicultural societies*. Springer.
30. Liu, H. C. (2011). *Organizational accountability in emergency management: Examining Typhoon Morakot from citizens' perspectives*. University of La Verne.
31. Makinde, T. (2005). Problems of policy implementation in developing nations: The Nigerian experience. *Journal of Social sciences*, 11(1), 63-69.
32. Maleki, A., & Bots, P. W. (2013). A framework for operationalizing the effect of national culture on participatory policy analysis. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 15(5), 371-394.
33. Martelli, A. (2014). *Models of scenario building and planning: Facing uncertainty and complexity*. Springer.
34. Mees, H. L., Driessen, P. P., & Runhaar, H. A. (2014). Legitimate adaptive flood risk governance beyond the dikes: the cases of Hamburg, Helsinki and Rotterdam. *Regional Environmental Change*, 14(2), 671-682.
35. Miles, I., Saritas, O., & Sokolov, A. (2016). *Foresight for science, technology and innovation*. Switzerland: Springer International Publishing.
36. Nabatchi, T., & Leighninger, M. (2017). *Public Participation for 21st century Democracy*, John Wiley & Sons, Inc., Hoboken, New Jersey.
37. Naranjo-Zolotov, M., Oliveira, T., Cruz-Jesus, F., Martins, J., Gonçalves, R., Branco, F., & Xavier, N. (2019). Examining social capital and individual motivators to explain the adoption of online citizen participation. *Future Generation Computer Systems*, 92, 302-311.
38. Newig, J., Challies, E., Jager, N. W., Kochskaemper, E., & Adzersen, A. (2018). The environmental performance of participatory and collaborative governance: A framework of causal mechanisms. *Policy Studies Journal*, 46(2), 269-297.
39. OECD, (2001). Citizens as partners: information, consultation and public participation in policy-making. OECD.
40. Papa, R. O. (2016). *Factors influencing public participation in project development in Busia county Kenya* (Doctoral dissertation, University of Nairobi).
41. Popper, Rafael (2008). How are foresight methods selected? *foresight*, 10(6), 62 – 89.
42. Pourezzat, A. A., Moghadam, M. H., Sani Ejlal, M., & Taheriattar, Gh. (2018). The future of governance in Iran, *foresight*, 20(2), 1-18.
43. Rosenhead, J., & Mingers, J. (2001). *Rational analysis for a problematic world revisited*. John Wiley & Sons, Chichester, UK.
44. Sabatier, P. (1991). *Towards better theories of the policy process*. Political Science and Politics June.
45. Siala, E. O. (2015). *Factors influencing public participation in budget formulation. The Case of Nairobi County* (Doctoral dissertation, United States International University-Africa).

46. Vatter, A. (2009). Lijphart expanded: three dimensions of democracy in advanced OECD countries? *European Political Science Review*, 1(1), 125-154.
47. Villacorta, P. J., Masegosa, A. D., Castellanos, D., & Lamata, M. T. (2014). A new fuzzy linguistic approach to qualitative Cross Impact Analysis. *Applied Soft Computing*, 24, 19-30.
48. Wagner, S. A., Vogt, S., & Kabst, R. (2016). The future of public participation: Empirical analysis from the viewpoint of policy-makers. *Technological Forecasting and Social Change*, 106, 65-73.
49. Wagner, S. A., Vogt, S., & Kabst, R. (2016). How IT and social change facilitates public participation: a stakeholder-oriented approach. *Government Information Quarterly*, 33(3), 435-443.
50. Wirtz Bernd, W., Daiser, P. & Binkowska, B. (2018). E-participation: a strategic framework, *International Journal of Public Administration*, 41:1, 1-12.
51. Yang, K., & Pandey, S. K. (2011). Further dissecting the black box of citizen participation: When does citizen involvement lead to good outcomes? *Public administration review*, 71(6), 880-892.